

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ناتور رحمانی

۲۷ فبروری ۲۰۱۲

کاسه ای داغتر از آتش!؟

هیچ جای شک و شبهه نیست اینکه : ما متبازترین نمونه ای از اجتماع بشری هستیم !!
حرارت و گرمای ساختار دماغ ما در زمینه های مختلف آنقدر افزون است که تا نقطه انفجار می رسد و عالمی از
خرابی و بربادی را به جا می گذارد .

شاید موجه باشد اینکه گویند : « ما مردمی هستیم که نخست پرده را می بُریم ، بعد اندازه می گیریم » یا « بدون
برنامه و سنجش اقدام به کاری می نمائیم » یا « قبل از آنکه ببینیم بینی ما سر جایش است دنبال پشک می دویم »
یا ، یا ، یا و دهها مثال دگر از این قبیل

بدون اغراق خونسردی ، درایت ، سنجش ، تعقل ، تفکر و تعیین میزان سود و زیان در گراف ذهن ما بسیار
کم رنگ تر از آدمهای دیگری در این جهان رنگارنگ است ، شکستن یک پیاله ، شنیدن یک دشنام ، یک نگاه کج ،
یک حرکت جاهلانه ، یک خنده ناخوشایند و ... می تواند انگیزه ای برای جنگ ، خونریزی و قتل گردد ، یا
مصیبتی را ایجاد نماید که جبران خساره آن بسیار گزاف تمام خواهد شد .

همه به این باور اند که نشان دادن واکنش سریع و بدون سنجش ، تأمل و تحمل در بسا موارد سبب رنجش ها ،
ناراحتی ها ، جدائی ها ، شکست ها ، بدبختی ها و حتا منجر به زخمی ساختن و قتل طرف مقابل می گردد ، این
موارد را در زمینه های چون دوستی ، عشقی ، خویشاوندی ، زناشوهری ، مناسبات ادارات خصوصی و رسمی ،
دادوستد تجارتي و دههای دگر می توان دید .

یک لحظه گرایش به عقل ، خردمندانه اندیشیدن ، خونسردانه با مسایل برخورد کردن ، تحت تأثیر افکار زهر آگین
دیگران قرار نگرفتن ، می تواند آرامش روانی و جسمی را فراهم ساخته از وقوع حوادث جانگداز ، خانمانسوز و
زیانبار جلوگیری نماید ، تا دگر جایی برای ندامت ، تأسف و افسوس نماند ، این وضاحت دارد که در مشتعل
ساختن ذهن ما ، و آتش زدن دنیای مادی و معنوی ما ، صدها هیزم بیار دوزخ توطئه و تحریک وجود دارد که به
خاطر مرام و منفعت خویش بر این آتش روغن می ریزند بدون مبالغه شاید ما ناب ترین بنده های خدا در
جهان اسلام هستیم ، که به خاطر حفظ و حراست دین هر آنچه را در ذهن ما کفر و الحاد جلوه کند با تکبیر (الله و

اکبر) و شمشیر تعصب نابود و خونین می سازیم ، درحالی که این زیاده روی و سختگیری ها را دُول دگر اسلامی ندارند؟!

آنچه را پیروان دین خدا ، به نام اسلام فرض می دانند ، همه را در سرزمین ما مسلمان های ناب تطبیق می نمایند، ضدیت با آزادی و تمدن ، ترویج بردگی و اسارت ، ستم بر زن ، ازدواج های اجباری با دختران خردسال، تشکیل حرمسرای ، مخالفت با علم و هنر و زیبایی ، به آتش کشیدن مراکز تعلیمی ، کشتار دانشمندان ، هنرآفرینان، آموزگاران ، سوختاندن کتب و کتابخانه ها ، سنگسار عشاق ، عشق و محبت های انسانی ، تبلیغ و ترویج خرافات پسندی ، من جمله رمالی و فالبینی ، تعویذ و طومار و (شوئیست و دود) تاریک اندیشی، ژولیدگی، ملنگی ، درویشی ، بی خردی ، درجا زدگی ، عقبگرایی ، دروغ پردازی ، گزافه گوئی ، شیادی ، ریاکاری ، روزمرگی ، سوءاستفاده از معتقدات اسلام برای نیل به قدرت ، ثروت و سیاست و چه و چه و چه های دگر ???

ما در نفرت و فرار از هر نوع نور و روشنائی ترجیح بند عمر پُرعسرت خویش را درسایه روشن های چراغ های تیلی ، در زندان چهاردیواری های سرد و دلگیر ، زیر رگبار تازیانه و تحقیر ، در فضای هراس آلود و اندوهبار قبرستانها می خوانیم ، تا روی پای خود ایستاده می شویم ، از چهارطرف می شنویم : نخذن ، نخوان ، نگو، نپرس ، نبین ، نرو و دهها (نه) دگر که گناه است ، گناه دارد ، گناهکاری می شوی ، گناه ، گناه ، گناه ... اگر زندگی با شادی ، زیبایی ، فراست ، خرد گرایی ، نوآوری و تمدن گناه است ، چرا دهها کشور مسلمان ، حتا افراطی ترین آنها با روشنگری در جهان اسلام همه را ملزومه ای زندگی فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی خویش نموده اند ، آنها بعد از مبارزه موفقانه با تعصب و تنگ نظری ، با اثرمندی و اثرپذیری از ارزش های متعالی فرهنگ و تمدن سایرکشورهای سکولار به سطحی از درایت و بینش ارتقاء نموده اند که اختیار برگزیدن و انتخاب چگونه زیستن و چه سان آزاد اندیشیدن و آزاد بودن را به چنگ آورده اند ، هنر ، خرد ، زیبایی ، بینش و تجدد در صدا و سیمای شان متبازر است ، طبقات حاکم آن کشورها تعصب و جزم گرایی ، خرافه پرستی و پیروی از اسلام اصلی را تنها به کشورما صادر می نمایند.

بلی ، آنچه برای آنها ثواب و صواب است ، سوگمندانه آن همه را برای ما و مُلک ما با یکهارویک دلیل گناه پنداشته روا نمی بینند . ببینید بی خردی چه می کند و مغرضین چگونه ازین خلاء و احساسات پاک مردم ما سوءاستفاده میکنند ، شیادی فتنه گر در دنمارک توظیف می شود تا کاریکاتور صدر اسلام را بکشد ، دسراسر جهان اسلام آب از آب تکان نمی خورد ، و صدای اعتراضی بلند نمی شود ، مگر در کشورما دهها مسلمان کشته می شوند ، دههای دگر زخمی و ملکیت های مردم به آتش کشیده می شود ، و خنده آورتر ، دکان سلمانی را در جلال آباد آتش می زنند ، ایجنت دیگری در لباس کشیش قرآن را در فلادلفیا می سوزاند ، باز هم همان حکایت درکشورما تکرار می گردد ، مگر دیگر کشورهای اسلامی را خیالی نیست ، اینک باردگر که به یقین آخرین کاراستعمارگران استفاده جو از نام ادیان و مذاهب نخواهد بود ، در قرارگاه نیروهای امریکائی در بگرام عمل مشابه را انجام داده اند ، و برای برآورده شدن مرام پلید خود آن کتاب های مذهبی سوختانده شده را از همان دژ ، از آنطرف دیوار های سمنتی و سیم ها خاردار که احدی را آزادی رفت و آمد به آنجا نیست ، بسیار زیرکانه بیرون کشیده به تماشای ملت مظلوم و مسلمان ما می گذارند ، تا برانگیخته شده و با تبارز احساسات لگام گسسته آب به آسیاب دشمنان بریزند ، بازسوگمندانه چنین شد و دهها افغان به نام دفاع از مقدسات و اسلام در چهارگوشه مُلک کشته شدند ، فامیل ها داغدار گردیدند ، خانواده ها که در واقع فقیرترین مردم مسلمان اند نان آور خویش را

از دست دادند ، به ملکیت های خصوصی و عامه خساره وارد گردید و دهها حکایت دردناک دگر ، با این همه در چهارگوشه گیتی ، حتا صدای همیشه بلند قوی ترین تیکه داران دین ، نزدیکترین همسایه های در به دیوار ما "آیت الله خامنه ای" و "مولانا فضل الرحمن" رهبر جمعیت العلمای پاکستان در این رابطه شنیده نشد ، زیرا آنها وابستگان هوشیار امپریالیزم جهانی استند ...

شما چه فکر می کنید ؟ آیا این نان در تنور توطئه سیاسی و ابتکار زیرکانه رژیم اخوندی ایران ، یا حکومت هندومسلان جنرال های پاکستان پخته نشده است !؟ برای شعله ورساختن احساسات ضد امریکائی ، تولید اغتشاش به نفع طالبان ، و تضعیف نمودن افغانها !؟

هرچه باشد و هر بُعد دگری که داشته باشد دشمنان ما در درازنای زمان از این حربه استفاده های زیادی برده اند ، به نام دین ، اسلام و عقیده ، ما را به جان هم انداخته اند ، مُلک ما را ویران کرده اند ، فرهنگ ، زبان و تاریخ ما را مسخ نموده اند ، اندیشه ما را کور ، عقل ما را زایل ، حرکت ما را به سوی ترقی و تعالی کُند و بطی ساخته اند ، با تاپه زدن به نام ملحد و کافر مترقی ترین روشنفکران ما را سر بریده اند ، و هیهات که هنوز هم ، ما در همان یک نقطه به میل آنها و به آن مسیری که نشان می دهند در حرکتیم ، و هیچ از خمار شرآب کوثر ، ساقی رضوان ، سایه طوبا ، و شمایل حور و غلمان برون نمی شویم !!! چه شرم آور در این بحبوحه زمان ، که مردم جهان به شمول کشورهای اسلامی با اتم بازی می کنند ، ما برای دوختن چاک و چیره لباس های خود سوزن ساخته نمی توانیم ... ما به این بهانه باید همیشه خرد ستیز ، فقیر ، گدا ، بی سواد ، مریض ، خرافاتی ، متعصب ، زن ستیز ، جاهل ، عقبگرا و دنباله رو باشیم . این وجود ماست که هیزم تنور اغراضی به نام اسلام سیاسی می گردد و ساده اندیشی و خوشبآوری ما روغن این آتش است ، زیرا که منافع سرمایداری ، امپریالیزم و مزدوران رنگارنگ آن بقاء و ادامه سلطه جاویدانه خود را در حفظ و حراست آن ، یعنی در جاویدانگی مالکیت خصوصی ، تجاوز ، اشغال و غارت کشورها و مردم شان می بینند ، که در این راستا تمام ادیان و مذاهب جهان خادم همیشگی ویی چون و چرا آن می باشند .